

## نمادها در مراسم عروسی تالشان

### رضا قربانی ریک

#### کارشناس ارشد مردم شناسی

مراسم عروسی سنتی تالش جنوبی، در گذشته مراحل مختلفی داشته که شامل خواستگاری، بله برون، صورت‌گیری، خرید عروسی، بریدن پارچه، دعوت‌گیری، بند اندازی، عقدکنان، حنابندان، بردن عروس به خانه داماد(عروس بری)، رونمادهی، نارنج زنی، زفاف و پاتختی(جاخالی روز) بود. هر کدام از این مراحل با آداب و رسوم ویژه ای همراه بود که از جمله آن‌ها می‌توان به نقش یآوری در مراسم عروسی، رسم هدیه، دور زدن عروس و داماد به دور چاه، کاشت نهال در پاتختی، بردن چراغ و آینه برای عروس، پاشیدن نقل بر سر عروس، دود کردن اسفند و... اشاره کرد. اجرای این رسوم گرچه به مراسم عروسی، زیبایی خاصی می‌داد اما همه آن‌ها بر اساس حکمت و اندیشه فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی مردمی بوده که آن‌ها را اجرا می‌کردند. در این سطور نماد برخی از آداب و رفتارها مورد تحلیل قرار گرفته که به آن‌ها اشاره می‌گردد.

#### نقش یآوری در مراسم عروسی

در گذشته وقتی فردی از اهالی روستا برای انجام کار شالیکاری طرف مقابل (بجار یاور *bəjār yāvar*) احتیاج به چند نیروی کار داشت از کسانی که با آن‌ها ارتباط بیشتری داشت (مانند دوستان، آشنایان و همسایگان) طلب یاری می‌کرد و دوستان نیز بدون دریافت دستمزد به اصطلاح به یآوری او می‌رفتند و در جواب زمانی که آن‌ها نیز در کاری احتیاج به یاور داشتند از آن فرد یآوری می‌گرفتند. یآوری در امور مختلف زندگی، مانند برنجکاری، نوغانداری، باغداری و... بخشی از فرهنگ جامعه روستایی گذشته را تشکیل می‌داد. نقش یآوری در مراسم عروسی نیز به وضوح مشاهده می‌شود. دوستان و آشنایان عروس و داماد برای هر چه بهتر برگزار کردن عروسی تلاش می‌کردند. از جمله مراسمی که با همکاری و تعاون مردم برگزار می‌شد برز آویشته *bərz avište* (پاک کردن برنج)، زاما بجار یاور (یاوری برای انجام کار مزارع داماد)، گشه بجار یاور (یاوری برای انجام کار مزارع داماد)، ایزمَ بازَ یاور *izəma bāra yāvar* (آوردن هیزم)، بُرمَ بری *bərəma bari* و خوانچه بری *xānčabari* بود.

برز آویشته (پاک کردن برنج): این مراسم چند روز پیش از موعد عروسی برگزار می‌شد و طی آن همسایگان و خانواده داماد جمع شده و برنج و حبوبات مورد استفاده در عروسی را پاک می‌کردند و دیگر اقلام مورد نیاز برای عروسی را فراهم می‌آوردند.

گشه *geša* (ویو *vayu*) بجار یاور: در صورت همزمانی دوره نامزدی با دوره کشت برنج، عروس به اتفاق تنی چند از دوستان به عنوان یاور به مزرعه خانواده داماد می‌رفت و در نشاء برنج آن‌ها را یاری می‌داد. در پایان کار مادر شوهر هدیه‌ای به عروس و اطرافیان داده و از آن‌ها تشکر می‌کرد. یآوری دادن در خانواده‌هایی که دختر و پسر نامزد شده داشتند (گشه یاور) با آداب و رسوم خاصی برگزار می‌شد که این امر در انسجام روابط خانواده‌ها و استحکام پیوند زندگی زوج‌های جوان مؤثر بوده است.

ایزمَ بَارَ یاور(آوردن هیزم): دوستان داماد همگی در یک روز قبل از عروسی جمع شده و به جنگل می‌رفتند تا هیزم لازم را برای پخت‌وپز روز عروسی تهیه کرده و به خانه داماد ببرند. آنها بعد از تحویل هیزم به خانواده داماد، ناهار را در آنجا خورده و به خانه خود می‌رفتند.

برم و خوانچه بری: همهٔ همسایگان یک روز قبل از عروسی مقداری وسایل شامل: روغن، قند، شکر، چای، گوشت و حبوبات را داخل مجمعه‌ای گذاشته و همراه برم به عنوان هدیه با رقص و شادی به خانه داماد می‌بردند.

### رسم هدیه

در مراحل مختلف عروسی تالشان رسم هدیه دادن دیده می‌شود. خرید هدیه برای چند تن از اطرافیان عروس در هنگام خرید عروسی، پیشکشی به عروس به هنگام ورود به خانه داماد، آوردن خوانچه و برم (bərəm) از طرف همسایگان برای داماد، رونما دهی و نمونه‌های فراوانی از این دست، بیانگر روابط حساب شده و منطقی این مردمان در برابر یکدیگر بود. با اندکی تعقل و تدبیر پی می‌بریم که هدیه در بین این قوم تنها یک رسم و آیین ساده و معمولی نیست، بلکه در آن یک فرهنگ و فلسفه بزرگ برای زندگی، نهفته است. هدیه به ظاهر با کالا (اساس مبادله در یک اقتصاد پولی) فرق دارد، زیرا ظاهراً دادن آن متضمن ستاندن چیزی در ازای آن نیست، اما در واقع از یک تکلیف سه وجهی پرده برمی‌دارد: ۱- دادن ۲- گرفتن ۳- پس دادن

هدیه و فرهنگ آن در همهٔ مظاهر زندگی مردمان این سرزمین مانند ازدواج‌ها، جشن‌ها، بازار و ... جاری است. می‌توان گفت کلیه روابط زندگی فردی و جمعی آنان به نوعی بر «هدیه» بنا شده، به طوری که هر فرد تلاش می‌کند، با رفتار و گفتار خود در مخاطب خود، و فردی که با او ارتباط برقرار می‌کند نوعی رضایت نسبت به خود ایجاد نماید، تا علاوه بر اینکه مقبول و ممدوح آن شخص واقع شود، هر دو از هم خرسند و خشنود باشند. چنین ارتباطی بر پایهٔ بده - بستان قرار داشته و بر مبنای آن هر فرد در جامعه سعی می‌کند چیزی شایسته و خوب به مخاطب خود هدیه دهد تا وی را موظف و مکلف نماید که با گشاده دستی هدیهٔ والاتری به او پس دهد. یعنی کسی که برای عروس برم می‌برد منتظر پاسخ عروس بعد از ازدواج بود و عروس باید در جواب به همهٔ آن‌ها پارچه و یا جوراب می‌داد. در اینجا مسئله «اعتبار» مطرح می‌شود که از دیگر عناصر هدیه است. هرچه فرد اعتبار خود را با اعطای هدیه بهتری بالا ببرد جایگاه و منزلتش نزد دیگران، بالاتر می‌رود. بر این اساس ایدهٔ اولیهٔ هدیه در بین روستائیان تالش تبادل کالا در قالب دادن و باز گرداندن هدیه است. بدین معنا که هر هدیه بخشی از سیستم مقابله به مثل است که احترام شخص دهنده و گیرنده را نشان می‌دهد. مبادلهٔ هدایایی که به ظاهر داوطلبانه می‌آیند، در حقیقت اجباری است و بدین صورت است که هدیه یک بخش از این کل (جامعه روستایی) می‌شود. در این جامعه هدیه باید جبران شود، در غیر این صورت روابط این کل شکسته می‌شود. اجبارهایی که در مبادله وجود دارد بسیار مهم هستند. امتناع از دادن یا گرفتن به معنای شکست پیمان است. در واقع گیرنده نوعی حق بر اموال دهنده دارد و این به معنای پیوندی روحی است. مثلاً زمانی که خانوادهٔ عروس و داماد برای خرید عروسی به بازار می‌روند خانوادهٔ داماد موظف است به اجبار برای تمام همراهان عروس پارچه و یا چیز دیگری به عنوان هدیه پیشکش کند. هرچند که دادن هدیه در ظاهر امری داوطلبانه است اما اگر کسی از همراهان از قلم بیفتد باعث دلخوری فراوان و گاه به هم خوردن روابط خانوادگی می‌گردد. قربانی کردن حیوانات نیز نوع دیگری از هدیه دادن انسان‌ها به خدا است که از این طریق، زندگی صالح و شاد را تضمین و

انسان‌ها را از دست ارواح شیطانی و اثرات مخربشان در زندگی رها می‌کند. قربانی کردن گوسفند زیر پای عروس و داماد نیز در حقیقت موقعیت مشابهی را نشان می‌دهد. یعنی هدیه‌ای از جانب آنان به خداوند برای زندگی بهتر است.

## دور زدن عروس و داماد به دور چاه

در گذشته مخصوصاً در بین تالشان نواحی فومن و شفت، عروس و داماد بعد از مراسم نارنج‌زنی با هم سه بار به دور چاه می‌گشتند و عروس سکه‌ای را به درون آن می‌انداخت. این رسم و آداب مربوط به آن ارتباطی عمیق با فرهنگ مردم و ریشه در اعتقادات آن جامعه داشت. منشأ این رسم را باید در اساطیر و اعتقادات تالش باستان جست. تالشان قدیم و حتی ایرانیان باستان قوای طبیعی (آفتاب، آسمان، آتش و زمین) را به منزلهٔ مادری مهربان به حساب آورده و می‌پرستیدند. در باورهای ایران باستان، زمین از آب پدید آمده است و آب سمبل تطهیر و منشأ همهٔ مخلوقات است. آب در بین مردم، منزلتی والا داشته و از آن به عنوان مظهر حیات، صفا و مسرت یاد شده و در آیین و مراسم سوگ و شادی دارای اهمیت بسزایی بوده است. آب نخستین عنصری است که همه چیز از آن آفریده شده و در بیشتر ادیان طهارت با آب انجام می‌شود و چون، کسی که طهارت می‌کند مانند کسی که تازه به دنیا آمده پاک است آب نماد نوزایی هم به‌شمار می‌رود. بنابراین یک نماد باستانی برای حاصل‌خیزی (باروری) است. شاید یکی از علل چرخیدن تازه عروس و داماد تالشی به دور چاه یاری و استطاعت از چاه جهت فرزندآوری باشد. در رمز اساطیر، چاه مرتبط است با آسمان، زمین و زیرزمین و با عناصر آب، خاک و باد هم‌نهاد است. چاه نقشی دوگانه دارد از یک سو به سبب ارتباط با آب، به زندگی و باروری مربوط می‌شود و در عین حال، چون آب، اصل آسمانی دارد، مادر و اصل آفرینش است و نیز نماد حقیقت و آگاهی است. چاه می‌تواند نمادی برای بخشیدن آب زندگانی باشد، به شرطی که اطرافیان آن را دریافته و خودخویش را باور کنند. مناطق تالش نشین نیز از ولایاتی بوده که همواره از بابت خشکسالی مورد تهدید بوده و به تبع آن سیستم‌های منظمی جهت تقسیم و جیره‌بندی آب وجود داشت. از آن جا که کمبود آب دغدغه مردم این سرزمین بوده، چاه نیز به عنوان یکی از مظاهر تولید آب، برای شان جنبه تقدس پیدا کرده و از این رو با فرهنگ مردم عجین شده است. مطلب دیگری که در این قسمت باید به مطالب قبلی افزود، علت توجه به سکه و انداختن آن به درون چاه است. به اعتقاد تالشان قدیم، سکه نماد «دارایی» و آب نماد «پاکی، روشنایی و باروری» است و اگر این دو کنار هم قرار بگیرند به واسطهٔ قدرت باروری و ازدیاد نسل آب، مقدار ثروت نیز بیشتر شود.

## کاشت نهال در روز پاتختی

در برخی مناطق تالش نشین نیز زوج جوان با هم نهالی (درخت زندگی) را در روز بعد از مراسم عروسی می‌کارند. درخت به دلیل جایگاه والای عناصر طبیعی در باورها و فرهنگ عامه تالشان از اهمیتی در خور توجه برخوردار است. به تبعیت از جهانبینی‌های دیرینه و فرهنگ اصیل ایرانی، رابطهٔ تالشان با طبیعت و عناصر طبیعی، رابطه‌ای براساس احترام به طبیعت و همزیستی با آن است. در این تفکر زمین ملک خدا و گیاهان هر یک به عنوان نعمت الهی شناخته می‌شوند. از میان گیاهان، درختان و از بین درختان برخی از آنها به ادله مختلف تقدس، محبوبیت و احترامی خاص دارند.

با توجه به مکتوبات دایره‌المعارف نمادهای سنتی، گیاهان نماد مرگ و رستاخیز و قوهٔ حیات و چرخهٔ حیات هستند. گیاهان به خصوص درخت در نزد زرتشتیان سمبل طراوت، آرامش و زیبایی هستند که نخستین انسان از آن (گیاه ریواس) ایجاد شده است. کاشتن درخت و گیاه در روز بعد از عروسی نشان از پویایی زندگی و مقابله با ناسازگاری‌های محیطی است. درخت در تمام فصول کارایی دارد. درخت در فصل بهار یعنی شکوفه، گل، عطر و بو، طراوت و شادابی، در تابستان یعنی

سایه، گل، میوه، هوای مصفا و فضای استراحت و در پائیز، هنگامه و غوغایی از میوه‌های الوان، رنگ‌های پویا و رقص برگ‌ها. در زمستان نیز هندسه عیان و سرافرازی درختان همیشه سبز در آغوش شاخه‌های خزان زده عریان است. درخت در زندگی زوج‌های جوان نماد چرخش، تداوم زندگی، و استواری در مواقع سختی‌هاست. درخت نماد آبادانی و شاخص سبزی، خرمی، مظهر زندگی، باعث تلطیف روح و موجب آسایش روح و صفا و پاکی طبیعت می‌باشد.

## بردن چراغ و آینه برای عروس

در شب حنابندان خانواده داماد چراغ و آینه‌ای را جلوتر از بقیه وسایل به خانه عروس می‌برند. چراغ نماد روشنایی دیده و آینه نشانگر ذات حقیقی و روشنایی جان است و بردن آن برای عروس و داماد به این امید بود که آن‌ها با کنار هم بودن، دل و جان‌شان چنان روشنایی یابد که بتوانند ذات حقیقی خود را که چون نوری ست، دریابند و زندگی روشنی را سپری کنند.

## پاشیدن نقل بر سر عروس

نقل نماد شیرین کامی است و پاشیدن نقل بر سر عروس و داماد به معنای آرزوی زندگی شیرین و شاد برای آن‌ها بود.

## دودکردن اسفند

یکی دیگر از اعمالی که هنگام رسیدن عروس به خانه داماد انجام می‌شد، دودکردن اسفند دور سر عروس بود. اسفند (اسپند) تخم بوته‌ای است به همین نام که خاصیت گندزدایی دارد و از آن جا که چشم فرد «چشم شور» ناپاک و گند است، خاصیت آن را می‌برد. گذشتگان معتقد بودند که دود کردن آن برای دفع چشم زخم مؤثر است، از این رو برای این که چشم زخمی به عروس و داماد وارد نشود برایشان اسفند دود می‌کردند و به هنگام دودکردن آن اوراد متفاوتی خوانده می‌شد.

علاوه بر موارد بالا می‌توان مراسم نارنج زنی، برم بری، پَس و برز pas u bθrz (گوسفند و برنج)، درم دوئه Dθrem duwe (صورت گیری شیر بها و مهریه)، پرتاب آرد یا تخم مرغ به فامیل‌های داماد، پرتاب مرغ پخته برای مهمانان و غیره از نظر تحلیل‌های مردم شناختی با کارکرد خاصی انجام می‌شدند و هیچ کدام از آن‌ها بدون فلسفه و ساختارهای زیرین نبوده‌اند که امید آن است محققان ما به آن بپردازند.

\*\*\*\*\*

## منابع و مآخذ تحقیق

- افقی، هادی (۱۳۷۴) تاریخ کشاورزی و دامپروری در ایران؛ تهران، امیرکبیر، جلد اول

- بهار، مهرداد (۱۳۷۶) از اسطوره تا تاریخ؛ تهران، نشر چشمه

- بیانی، ملک زاده (۱۳۶۳) تاریخ مهر در ایران؛ تهران، یزدان

- صداقت کیش، جمشید (۱۳۷۹) آبهای مقدس ایران؛ شیراز، شرکت آب و فاضلاب شیراز
- علم الهدی، هدی (۱۳۷۸) "آب و معماری"؛ دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران، کرمان، ارگ بم، جلد اول
- قرشی، امان الله (۱۳۸۰) آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی؛ تهران، مرکز بین المللی گفتگو تمدن‌ها
- هینلو، جان (۱۳۷۳) شناخت اساطیر ایران؛ ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، نشر آوشیق
- رساله در تاریخ ادیان، نوشته میرچالیاده ترجمه جلال ستاری، انتشارات سروش، ۱۳۷۳
- اسطوره‌های ایرانی، نوشته وستا سرخوش کوتیس، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، ۱۳۷۳
- شناخت اساطیر ایران نوشته جان هینلو، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، نشر آوشیق، ۱۳۷۳
- حسین ابراهیمیان، اساطیر چین، کتاب ماه هنر، مهر و آبان ۱۳۸۱
- پژوهشهای میدانی نگارنده

**برگرفته از: نشریه "تالش" شماره ۳۸**